همیشه گروهی از امتم پیروز هستند

قول النبي عليه السلام: لاَ تَزَال طَائِفَةٌ مِنْ أمَّتِي مَنْصُورِينَ لاَ يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلهُمْ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

وَفِي رِوَايَةٍ لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لاَ يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا. (صحيح ابن ماجه)

ترجمه: پیامبر ﷺ می‌فرمایند: پیوسته گروهی از امتانم پیروز هستند، کسی که به ضررشان باشد به ایشان زیان نمی‌رساند که تا قیامت برپا می‌شود.

و به روایت دیگری آمده است: پیوسته گروهی از پیروانم به فرمان خداوند پایدار اند، کسی که به ایشان مخالفت کند ضرری به ایشان نمی‌رساند.

شرح: فرمودهٔ پیامبر ﷺ «لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ لاَ يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ»، طائفة و گروهی از مردم هستند که در مذهب و یا مفکوره باهم اشتراک دارند که به سبب آن از دیگران امتیاز پیدا می‌کنند، این گروه از مسلمانان همیشه بر دیگران پیروز اند، کسانی که از مسلمین و یا غیر مسلمین علیه‌شان باشند به آن‌ها ضرر نمی‌رسانند و فرمودهٔ پیامبر ﷺ «حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ» یعنی این‌ها همیشه پیروز اند تا حجت خداوند به وجودشان در روز قیامت برپای باشد، زیرا اگر از مسلمین گروهی نباشد که به اسلام درست عمل کنند، به پیامبر جدیدی نیاز پیدا می‌شد یا مردم در روز قیامت می‌گویند: خداوندا! کسانی را نیافتیم که تو را به ما معرفی کند و آداب عبادت را عملاً به ما بیاموزد، اگر چنین کسی را درمی‌یافتیم حتماً تو را پرستش می‌کردیم، پس برای اتمام همین حجت است که خداوند پیوسته در هر زمان و مکانی گروهی از امت اسلامی حفظ می‌کند تا خدای را موافق دستور شرع بپرستند و دیگران را نیز به طرف حق دعوت کنند و به روایت دیگری چنین آمده است: «لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لاَ يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا» پیوسته گروهی از امت اجابت من به فرمان خدا پایدارند کسی که به ایشان مخالفت کند ضرری نمی‌رساند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

۱- حدیث را به طور مکرر بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

۲- شرح را جمله جمله بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده.

۳- به ایشان بگو: وقتی که خداوند گروهی پیروز و پایدار دین حق را حفظ کند برای هیچکس عذری در مخالفت با اسلام باقی نمی‌ماند.

۴- به ایشان بفهمان: که این گروه کسانی اند که در عمل، عقیده، ادب، اخلاق، قضاوت و دادرسی از پیامبر ﷺ و یارانش پیروی می‌کنند، زیرا وقتی که از پیامبر پرسیدند: کدام گروه از عذاب خدا نجات دارند، آن حضرت ﷺ فرمودند: کسانی که بر سنت من و یارانم باشند.

۵- به ایشان تذکر ده: که خداوند دولت اسلامی را به وجود آورد تا طائفه‌ای که پیامبر ﷺ فرمود، تمثیل کنند چون گمراهی در عالم اسلام عمومیت پیدا کرد، و احکام شریعت معطل گشت، خداوند به وجود این دولت دین اسلام را استوار کرد و زمین را از شرک و گمراهی پاک کرد تا شریعت اسلام را حاکم ساخته و پیوسته در پیروی شریعت نمونهٔ برجسته در عالم اسلام باشند.

اصلاح ملی را از اینجا بدست آورید

کابل: تایمني، چهار راهی حاجي محمد داد، سرک ۴، دفتر م جمعیت اصلاح. تیلفون: ۰۷۹۹۳۹۴۰۱۵/ ۲۰۲۲۰۴۳۰۵

کابل: کوته سنگی، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشا اصلاح افکار: موبایل: ۰۷۷۸۱۹۱۳۸۲

کابل: شهر نو، چهار راهی انصاری، کتاب فروش رسالت. ۰۲۰۲۲۰۳۳۵۹

کابل: انتشارات مستقبل مقابل بلاک های شاداب ظفر، ۸۸۷۰۳۰۵

کابل: کمپیوتر فروشی الکاموي جاده نادر پشتون، مارکیت نظرمنزل۲ دوکان ۲۳/ . ۰۷۹۹۳۹۰۸۱۹

کابل: کابل ده افغانان کتاب فروشي بیهقی

کابل: انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی مسجد جامع پل خشتی ۰۷۹۹۰۱۱۱۱۱ / ۰۷۵۲۲۲۲۲۲۲

ننگرهار: جلال‌آباد، نارنج باغ، عبدالحق مبنه، (دکابل د موټرو اډه) د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر ټیلیفون: ۰۰۶۳۲۴۸۰

جلال اباد- اسحاق زی مارکیټ زیرزمیني

ښي لاس ته لومړی دوکان- اصلاح افکار ۰۷۸۷۰۹۰۶۳۰

کندهار: نوی ښار، د هرات سړک، د سړي جامع غرب طرف ته سوري مېنه د امام ابوحنیفه رح تعلیمي او کلتوري مرکز د جمعیت اصلاح ساحوي د تلیفون: ۰۷۰۰۳۰۸۲۷۱ ـ ۰۷۰۰۶۶۸۹۴۸

لغمان: مهترلام ښار، حمزه مارکیټ تیلفون: ۷۹۹۴۴۲۹۲۰

هرات: جاده بانک خون، بالا تر از تالار قمر، گذر هشت بهشت، انجمن اخلاق و معرفت تیلیفون: ۰۴۰۲۳۵۵۹۰

بلخ: عقب حمام سره میاشت، مرکز تعلیمی اصلاح ۹۶۹۴۲۴۵

کندز: شهر کندز، جاده ولایت، کوچه حاجی میری، مؤسسه تحصیلات عالی سلام ۰۷۸۷۷۰۳۷۲٤

بغلان: پلخمری، مارکیت اتفاق کتاب و قرطاسیه فروشی رسالت ۰۷۷۷٤۷٦٤٦۹ / ۰۷۰۰۵۸۹۸۵۷

لوگر: مرکز، مدینه مارکیت سرک مسجد جامع، کتاب فروش سادات، سید عبدالحمید هاشمی، تیلفون: ۰۷۰۰۰۴۴۹۸۱

لوگر: محمدآغه، واغجان بازار، پهلوی کلنیک حسه خیل، تیلفون: ۰۷۷۵۴۱۳۸۷۶

پکتیا: د گردیز ښار، مرکزي چوک، د نمایند وحید الله: ۰۷۷۹۲۱۳۸۲۲

خوست: افغان تاور شاته خوست مرکزی طبی لابراتوار دوهم پور د جمعیت اصلاح ساحوی دفتر د اکتر محمد گلاب: ۰۷۹۹۱۷۴۵۴۶/ ۰۷۷۷۱۷۴۵۴۶

تخار: بازارچه کتاب دکان مولوی حبیب الرحمن ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲

بدخشان فیض آباد: ۰۷۷۵۲۷۰۵۰۸ / ۰۷۰۷۸۳۱۳۶۴

زابل: ۰۷۰۰۳۰۱۹۴۸

فراه: جاده مخابرات دست راست مرکز علمی و فرهنگی توحید ۰۷۰۳۲۰۲۰۴۴

کونړ: د معارف ریاست ته مخامخ د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر

پیشور: مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان/ تیلفون: ۱۵۸۵۲۷۹۵

قیمت یک شماره ۱۰ افغانی

جمعیت اصلاح افغانستان

بخش نشرات و فرهنگی

هفته نامه اصلاح اونیره

دلاسلام داصیل فهم منبر

Email:eslahmilli@gmail.com

www.eslahonline.net

دلیکوال پلاوي تر نظر لاندې

دامتیاز خاوند:

جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان

رئیس هیأت تحریر:

عبدالفتاح جواد

مدیرمسئول:

نقیب الله حمید 0774327438

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک
A/c No=1001202080036
(افغانی)

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک
A/c No=1001201080036
دالر امریکائی

سرمقاله

آنچه که از توجه مسئولان دورمانده است!

از همان هنگام شکل گیری نظام مؤقت به رهبری حامد کرزی تا اکنون کار مهم و اساسی ای که از چشم دولتمردان و مسئولان نظام دورمانده است، همانا تنظیم امورخدمات شهری و توجه به ایجاد سهولت در عرصه حمل و نقل شهروندان کشور و استفاده درست از ملی بس های شهری است. با وجود امکانات و همکاری های فراوانی که در این عرصه صورت گرفته بازهم به این موضوع اهتمامی لازم صورت نگرفته است.

این در حالی است که همزمان با وسعت شهر کابل و افزایش نفوس، نیازمندی به ترانسپورت شهری بیشتر از هر وقت دیگر احساس می شود.

آشفتگی و ازدحام در بازار و در جاده ها ناشی از کم کاری نه، بل هیچ کاری در این عرصه بوده است.

نبرداختن به این قضیه مهم، به اثر فقدان یا کم بودن وسایط حمل و نقل جمعی یا ملی بس های شهری نیست، چون شاهد هستیم که کشور های همسایه چندین بار در این عرصه به دولت افغانستان همکاری کردند و ملی بس های شهری را به افغانستان فرستادند، دیگر کار به افغانستان مربوط بود که چگونه این بس های شهری را تنظیم نماید و به خدمت ملت خود قرار دهد. متأسفانه جانب افغانستان و وزارت ترانسپورت و هوانوردی و شاروالی شهرها و ریاستی که برای تنظیم این امور مکلفیت دارد توجه نکرده و از کنار این این قضیه مهم، بی اعتنا رد شده اند.

امروز ملی بس های شهری در سراهای بس دولتی متوقف بوده و در حال استهلاک شده اند و بیشترینه آن، اکنون قابل استفاده نیستند.

مشکل اساسی در عدم استفاده از این بس های شهری، نبود طرح و پلان منظم برای تنظیم درست امور خدمات شهری و فقدان نظم ترافیکی است و این امر، باعث شده که مشکلات ترافیکی و ازدحام شهری را به وجود آورد و نظم شهر و سیستم ترافیکی را مختل سازد و زندگی عادی مردم را برهم زده و آنان را گرفتار مشکل رفت و برگشت به کار و خانه شان نماید.

در بسیاری از کشور های جهان، سیستم بس های شهری از سوی حکومت و سکتور خصوصی ایجاد شده و یک بخش اعظم نفوس کشور با استفاده از همین وسایل از یک محل به محل دیگر رفت و آمد می کنند و دولت ما در این مورد از سیستم موفق آنان استفاده کند و در زمینه حل مشکلات ملت خود توجه نماید.

هم اکنون بهترین وسیله حمل و نقل شهروندان شهر کابل موتر های تونس و سراچه و موترهای شخصی است، کسی که از یک نقطه به نقطه دیگر شهر می روند فقط از موتر های مسافربری تونس، کرولا و کرولای نوع سراچه استفاده می کنند، اما این موترها خیلی خود سرانه عمل می کنند و مسیر های طولانی را از طرف عصر به پایان نمی رسانند و بیشتر از مردم از این ناحیه دچار مشکل می شوند.

این موترهای شخصی که جایگزین بس های شهری شده کرایه بیشتر می گیرند که بیشتر مردم توان پرداخت آن را ندارند و مردم بی بضاعت از این ناحیه شکوه سر می دهند.

بنابرین، مکلفیت حکومت و به خصوص وزارت مربوطه و شاروالی است که برای حل این مشکل طرح و پلانی را نه در کاغذ بل در عمل ریخته و آن را مورد کاربرد قرار دهند تا این مشکل جمعی ملت برآورده شود و جلوگیری از ازدحام و آشفتگی شهر کند و در زمینه استفاده از ملی بس های که در حال استهلاک اند برنامه ی را رو دست گیرد تا این مال مردم افغانستان به استهلاک نروند هنچنان تا از یکطرف مشکل مردم رفع شود و از سوی دیگر، برای تنی چند از مردم بیکار، زمینه کار فراهم گردد.

شاروالی های کشورنیازمند ریفورم های اساسی اند

استاد نصیراحمد نویدی
رئیس شورای مرکزی جمعیت اصلاح

کشمکشی که از چند ماه به این طرف بین شاروال کابل و تعدادی از اعضای پارلمان دوام داشت، چند روز قبل زمانی وخامت اختیار نمود که تعدادی از نمایندگان ولسی جرگه در اطرف شاروالی کابل تحصن نموده خواهان برطرفی شاروال گردیدند. هردو طرف یکدیگررابه فساد و استفاده جویی شخصی متهم نموده دربرابرهمدیگر موقف جدی اختیارنمودند. هرچند ولسی جرگه فیصله نمود که ازین به بعد شاروال کابل را به رسمیت نمی شناسند، اما با مداخلهء رئیس جمهور وتعین لوی سارنوال بخاطر تحقیق ومصالحه میان طرفین، قضیه ظاهراً به نفع شاروال فروکش نمود، اما انتقادات برشاروال ازدرون وبرون پارلمان کما کان ادامه دارد.

ازقضایای شخصی وگلایه های خورد وریزهء اعضای پارلمان وسائرافراد که بگذریم، حقیقت اینست که طی دوازده سال گذشته، هیچگاهی شاروالی کابل نتوانسته است رضای خاطر مردم را جلب نموده وبه حیث یک ادارهء پیشتاز وخدمت گزارمردم تبارز نماید. هرچند کارکردهای آقای نو اندیش نسبت به اسلافش تا جایی بهتراست و دست آوردهایی نیز دارد، اما توقعات مردم بسیار بالا تر از آنچه می باشد که تاحال انجام یافته است.

فساد گسترده وبیروکراسی سنگین این اداره باعث گردیده تا امور روزمره وعادی مردم، هفته ها وحتی ماه ها درشاروالی بطول انجامیده واموال شان ضایع گردد. علاوه برین، وضعیت بد سرکهای کابل و نبود سیستم کانال های تخلیهء آب داخل شهر به طور ویژه آب باران، فرد، فردی ازباشنده گان این شهر را به ستوه آورده و سبب انتقاد های مکرر برشاروال می گردد.

جمعیت اصلاح به این باوراست که شاروالی ها بعنوان یکی ازاساسی ترین بخشهای ادارات عامه، به یک بازسازی کلی نیازمند است. رخصت شدن یک شاروال وآمدن شخصی دیگر، هیچ دردی را دواء نمی کند، تا اینکه تغیراتی اساسی درنحوهء اداره وچگونگی سیستم کار این اداره درسراسرکشور بوجود نیاید. تغیرات مورد نظر باید شامل نقاط ذیل باشد:

۱. قبل ازهمه باید پست مسؤولیت شاروالی ها وپست ریاست های نواحی آن ازانحصارافراد وباند ها بیرون گردیده، به یک ادارهء ملی وخدمت گذارواقعی مردم مبدل ساخته شود. برای تحقق این مأمول پست شاروالی باید انتخابی گردیده، هرچه زود تر توسط پارلمان کشور قانونی در زمینه تصویب وبه اجراء گزاشته شود. تا به این ترتیب شاروالی های کشوراز سطح یک اداره فاسد و پر درآمد برای افراد و گروه ها، به یک ادارهء منتخب با هدف خدمت گزاری به مردم تبدیل گردد.

۲. برای ریاست شاروالی و ریاست های نواحی انتخاب شده، اختیارات کافی وبودیجهء لازم داده شود، تا درفضایی ازرقابت مثبت به کار پرداخته در زمینه تقدیم خدمات شهری و حل مشکلات مردم ازهمدیگرپیشی گیرند.

۳. یکی از عوامل اساسی فساد در ادارات مربوط به شاروالی ها وجود بیروکراسی پیچیده، طویل وبی معنایی است که مراجعین را مجبورمی سازد بخاطرانجام یک کارعادی، ماه ها درشعبات مختلف سرگردان باشند و گاهی هم زحمات شان بدون نتیجه پایان یابد. شخصی را می شناسیم که ازدو ماه به اینسو در دفاترمربوط شاروالی سرگردان است، ولی تا حال مؤفق به گرفتن اجازه تعمیر شخصی خویش درناحیهء ۱۱ نشده است. دوست دیگری می گفت که بخاطراخذ اجازه اعمار یک بلند منزل باید شش تا هفت ماه سرگردانی در ادارات شاروالی را متقبل شوید.

٤. اگراین اظهارات حقیقت داشته باشد، واقعاً جای خجالت است. درعصریکه مردم مشکلات روزمره شانرا ازطریق انترنت وبه زود ترین فرصت حل وفصل می نمایند، اجراءات شاروالی ها ی ما نیز باید تا حد ممکن مختصروشفاف باشد.

٥. متأسفانه سیستم شدیداً مرکزی بالای شاروالی ها حاکم است، که ازیک طرف روند کارها را کند نموده است واز طرف دیگر زمینهء خورد وبرد ورشوه ستانی را برای افراد مریض وضعیف الإیمان کاملاً مساعد ساخته است. آیا احمقانه نیست که اجازهء تخریب و اعماردوبارهء ساختمان های شخصی یک شهرپنج ملیونی چون کابل نیزباید توسط شخص شاروال اعطاء گردد. این سیستم فرسوده باید بزود ترین فرصت به یک سیستم غیرمتمرکز، سریع وشفاف مبدل گردد.

٦. باید ماستر پلان شهری کابل هرچه زود تراعلان وبه منظرعام آورده شود تا همهء مردم به وضعیت حال وآیندهء ملکیت های شان با خبر گردیده طبق پلان حرکت نمایند وبازاررشوه ستانی بروی انجنیران شاروالی ازبابت غیب گویی دررابطه به ملکیت های مردم مسدود گردد.

۷. بعد ازمنتخب شدن شاروالی ها باید پلانی روی دست گرفته شود تا شهروندان درزمینه حفظ محیط زیست و استفادهء درست ازخدمات شهری با شاروالی ها همکارگردیده نقش شان را درزمینه ایفاء نمایند.

والله المستعان

د جمعیت اصلاح د دعوت او ارشاد مسؤول استاد عبدالفتاح جواد له اصلاح رسنیز ګروپ سره په مرکه کې:

جمعیت اصلاح د ۴ ملیونه افغانیو په اندازه مرستې له هیوادوالو نه ټولې کړې او زیانمنو سیمو ته یې رسولې دي

اصلاح رسنیز ګروپ: جمعیت اصلاح د بدخشان د غره ښوییدنې او په نورو شمالي ولایتونو کې د سیلابونو له امله زیانمنو شویو هیوادوالو سره د مرستو یو پراخ کمپاین په لاره واچاوه، ددې هدف او لامل څه ؤ؟

جواد: جمعیت اصلاح د یو ستر او هیواد شموله دینی خوځښت په توګه دا خپل مسؤولیت ګڼي چې تل د ملت په ستونزو او کړاوونو کې شریک واوسي، دحل لارې ورته ولټوي، لاسنیوی یې وکړي او په زخمونو یې پټۍ کیږدي، او دغه کار ته د عبادت په سترګه ګوري نه د سیاست، په همدې موخه یې په خپل چوکاټ کې د (احسان) تر نامه لاندې د ټولنیزو خدماتو څانګه پرانستې ده، چې له څو کلونو راهیسې فعالیت لري، نو د دغې څانګې له لارې مو د ملت په شتمنو باندې غږ وکړ، څو له خپلو مصیبت ځپلو هیوادوالو سره مرستې وکړې، الحمدلله چې د ۴ ملیونه افغانیو په اندازه نغده مرسته او د ۴ موټرو په اندازه البسه او دکور لوښي، د یوه پراخه کمپاین له لارې (چې د جمعیت اصلاح سلګونه غړي او همکاران پکې فعال وو)، ټوله شوه، چې څه یې سیمې ته رسیدلې او نور یې پر لاره دي.

بل هدف مو د ملي وحدت ټینګښت ؤ، چې له بده مرغه د سیاسي کشمکشونو له امله تر ډیره زیانمن شوی دی، خو دغو حوادثو بیرته هغه تقویه کړ، مونږ په سترګو ولیدل چې کندهار، خوست، لوګر او ننګرهار د بدخشان، جوزجان او فاریاب په غم او درد کې شریک شو، ټولو د قومونو په ځای د یوه ملت په بڼه تعامل وکړ، او پخپلو مرستو سره یې دسیاسي لوبو لوبغاړو ته خوله ماتونکی ځواب ورکړ.

الحمدلله جمعیت اصلاح د تل په څیر په عملي ډګر کې هم د ملت د بیلابیلو لوریو د یو ځای کولو او ملي وحدت په ټینګولو کې بریالی شو.

اصلاح رسنیز ګروپ: جمعیت اصلاح کومو ولایتونو ته مرستې استولې دي؟

جواد: مونږ د بدخشان ولایت د غره ښوییدنې د پیښو نه زیانمنو وګړو ته درې موټره غذایي مرستې استولې دي او نورې به هم استوو، ترڅنګ مو د جوزجان ولایت د خواجه دوکوه ولسوالۍ ته هم ۱۰۰ خیمې او ۲۰۰ بوجۍ نوره البسه او د کور لوښي استولې او هلته مو په بیلابیلو قومونو، ازبکو، ترکمنو او پښتنو باندې، چې ټول یو ډول زیانمن شوي وو، وویشل. دغه راز مو د سمنګان ولایت د خرم ولسوالۍ ته هم ۱۰۰ خیمې او ۲۰۰ د بخار دیګونه او ۲۰۰ د ګاز ډبې او نوره البسه او ظروف واستول، او د بلخ ولایت د خلم ولسوالۍ نه هم لیدنې شوې

ده، هلته هم سیلابونو ۱۲ کلي زیانمن کړي دي، ان شاء الله چې لاره خلاصه شي، نو هلته به هم مرستې واستوو.

اصلاح رسنیز ګروپ: آیا دا مرستې یواځې په مالي اړخ کې دي؟ که په نورو اړخونو کې هم مرسته شوې ده؟

جواد: دجمعیت اصلاح اړوند د ډاکټرانو ټولنې یو پلاوی هم له یوه مجهز امبولانس او درملو سره بدخشان ته تللی دی او د ناروغانو په درمله کې یې د پام وړ کار کړی دی او دا لړۍ به ان شاء الله دوام لري.

اصلاح رسنیز ګروپ: تاسې چې د بدخشان د ارګو ولسوالۍ له نزدې نه ولیدله، نو که دهغه ځای د غره د ښوییدنې د پیښې او نورو زیانونو په اړه څه ووایاست؟

جواد: په بدخشان ولایت کې دوې سیمې داسې دي، چې هلته غرونه ښوییدلي دي او کورونه یې لاندې کړي دي او لا یې هم خلکو ته ګواښ متوجه دی. یوه د آب باریک سیمه ده، چې په رسنیو کې یې په اړه قوي انعکاس راغلی دی او بله د آفاقي سیمه ده چې له بده مرغه هیڅ پام ورته نه دی شوې، نه دولت او نه هم غیری دولتي مؤسسو هغوی ته توجه کړې ده، نه یې هم په اړه رسنۍ څه وایي. په داسې حال کې چې دواړه سیمې په یوه ورځ له دغه ډول مصیبت سره مخ شوې دي.

مونږ چې د آب باریک سیمه له نږدې نه ولیدله او هلته مو له یو شمیر دولتي چارواکو سره خبرې وشوې، دغه راز مو د سیمې له وګړو نه معلومات لاس ته راوړل، څرګنده شوه چې خلکو ته زیان اوښتی دی، د یوه انسان له منځه تلل هم د یوې کورنۍ لپاره ستر زیان دی، په یقین سره ویلی شو چې دغې پیښې کې ډیرې کورنۍ د غم په تغر کښیناستې، خو بیا هم د سر او ځان زیان په هغه کچه ندی، چې په رسنیو کې یې په اړه ویل شوي دي، الله تعالی دې شهیدان وبښي، کورنیو ته دې یې صبر او عظیم اجر ورکړي.

د پیښې د اعلان سره سم دغې سیمې ته مالي مرستې پیل شوې وې، رسمي او غیر رسمي خواوو هلته مرستې رسولې دي، د کمیت په لحاظ خو څو برابره زیاتې دي، اما د خلکو د ضرورت سره سمې نه دي، د ویش په اړه یې هم شکایتونه موجود وو، چې مستحقو خلکو ته نه رسیږي.

اصلاح رسنیز ګروپ: لکه چې تاسې ورته اشاره وکړه، ویل کیږي چې د مرستو ویش شفافه بڼه نه لرله، تاسې د خپلو مرستو له ویش نه څومره راضي یاست؟

جواد: د مرستو د ویش په اړه له خلکو سره اندیښنې وې، د ناوړه استفادې خبرې هم کیدلې، له بده مرغه زمونږ په وطن کې د شفافیت قضیه ډیره کمزورې ده، په چارواکو باندې، په ادارو باندې او د خلکو په ځایي استازو باندې نیوکې وې، مونږ هم په همدې اساس خپلې مرستې له رسمي حکومتي جینل نه پرته په خپل لاس وویشلې، لومړی مو د سروې لپاره بیلابیلې سیمې ولیدلې، له خلکو سره مو خبرې وکړې، بیا مو په بدخشان کې د جمعیت اصلاح د سیمه ایزو غړو په مرسته چې هغوی بلد وو، لیست جوړکړ، د هغو په نتیجه کې مو ډیر مستحق خلک وپیژندل او بیا مو په ښه او منظم ډول پر هغوی مرستې وویشلې.

اصلاح رسنیز ګروپ: آیا د بدخشان له زیانمنو خلکو او د نورو ولایتونو له سیلاب ځپلو سره دولتي مرستې شوې وې؟

جواد: د بدخشان د غره ښوییدنې په پیښه کې خو له حکومت نه شکایت موجود ؤ، او هغه لدې امله چې تر خاورو لاندې وګړو په راویستلو کې یې جدي کار ونه کړ، اوس هم د قربانیانو خپلوانو په خپله دا هڅه کوله چې مړي را وباسي او له جنازې او تکفین او تجهیز وروسته یې په یوه هدیره کې خاورو ته وسپاري، هغوی دا هم ویل چې زمونږ مړي له خاورو لاندې وي، نو مونږ د چا مرستې څه کوو؟.

د سیلاب ځپلو سیمو په اړه بیا د ملي اردو له ځواکونو نه خلک په دې خوښ وو، چې دوی یې د هلی کوپترو په وسیله له سیلابونو نه ویستلي وو، خو نور یې په حکومتي چارواکو نیوکې لرلې، ځکه چې مالي مرستې یې نه دي ورسره کړې.

اصلاح رسنیز ګروپ: په جنوبي ولایتونو کې هم سیلابونو خلکو ته زیان اړولی دی، آیا تاسې دغه لوري ته هم توجه لرئ او که نه؟

جواد: جمعیت اصلاح د ټول ملت په خدمت کې دی، هغه که له هر سمت، قوم، ژبې او مذهب سره تړلي وي، نو په همدې اساس مونږ په جنوب کې د لوګر ولایت یوشمیر سیلاب ځپلو کورونیو ته هم د مرستو استولو پلان لرو، چې ان شاء الله په

لوګر کې د جمعیت اصلاح سیمه ایزه څانګه به یې ورته ورسوي.

اصلاح رسنیز ګروپ: د خلکو د احساساتو او دردونو په اړه که څه وواياست؟

جواد: له جوزجان نه تر بدخشان پورې په هر ولایت کې مو چې له طبیعي آفتونو څخه زیانمن وګړي ولیدل، د فقر، بې وزلۍ او خفګان نښې او نښانې مو د هغوی په څیرو کې ولیدلې، دا ځکه چې د کورنۍ غړي یې له لاسه ورکړي وو، کورونه یې په مکمل ډول نړیدلي وو او د ټول ژوند مادي شتمني یې هم یا خاورو لاندې کړې وه او یا هم سیلابونو ترې وړې وه، مګر ددې سره سره به ټولو په صبر او حوصلې سره غم ته غیږ ورکوله او دغه حالت به یې د تقدیر پریکړه بلله.

له هغو جهتونو او لوریو څخه چې ډیره توقع ترې کیږي، نهیلي بریښیدل، دولت، سیاسي ډلې، د پارلمان وکیلان او ستر نړیوال مؤسسات، ځکه چې په دوی کې خو یې یو شمیر بې تفاوته پاتې وو، یو شمیر په ناوړه استفادو بوخت وو، یو شمیر نورو یې بیا هسې نمایشي مرستې کولې، د بیلګې په توګه خلکو کورونه له لاسه ورکړي وو، ددې هیله یې لرله چې د کورونو په جوړولو کې ورسره مرسته وشي، خو هیچا هم پدې اړه ورسره نغدي، یا د توکو مرسته نه کوله، بلکې یو ډول مواد به تکرار ورته ویشل کیدل.

مونږ چې هرې سیمې ته تللو، نو د کابل، کندهار، جنوبي او ختیځو ولایتونو د خلکو نیکې هیلې او محبت به مو خلکو ته رساوه او دا به مو ورته ویل، چې ستاسې ورونو خپله ډوډۍ له تاسې سره نیمه کړې ده او په دغه غم کې درسره شریک شول، نو ټولو به په یوه اواز ویل: مونږ درک کړه چې که د ژبې پر بنیاد سره تفاوت لرو اما د ایمان او عقیدې پر بنیاد سره تړلي یو، ټول د توحید کلمې پر محور سره ورونه ورونه یو.

له جمعیت اصلاح نه ټولو ډیره زیاته خوښي څرګندوله او دا ځکه چې له هر ډول اغراضو نه لیرې یې په ډیر منظم ډول او ښه بڼه د هیوادوالو مرستې متضررو او زیانمنو هیوادوالو ته ورسولې.

د بدخشان ولایت د آب باریک په سیمه کې د نورو ولایتونو څخه د انجنیرانو یو لوړ پوړی پلاوی موجود وو، کله یې چې مونږ ولیدو نو پوښتنه یې وکړه: تاسې د کوم بنسټ سره تړاو لرئ؟ مونږ ځواب ورکړ: جمعیت اصلاح!، نو په ډیره مینه را وړاندې شول او روغبړ یې را سره وکړ او ویې ویل: یقینا ملت پر جمعیت اصلاح باور لري او جمعیت اصلاح هم په اخلاص سره د ولس خدمت کوي.

اصلاح رسنیز ګروپ: ستاسې په اند له بدخشان او نورو ولایتونو سره د مرستو نوره اړتیا لیدل کیږي او مرسته کوونکو لوریو ته مو پیغام څه دی؟

جواد: دې کې هیڅ شک نشته چې دغه ټول ولایتونه مزیدو مرستو ته اړتیا لري، خلک لا هم تر شنه آسمان لاندې په سوځوونکې ګرمۍ کې تر خېمو لاندې ژوند کوي، هغوی سره د کور په جوړولو کې مرسته په کار ده، دولت، سیاسي او اجتماعي ډلې او مؤسسات باید په دې اړه متوجه وي.

مګر د مرستو د ویش په اړه باید دوه ټکي په پام کې ونیول شي: لومړی دا چې په شفافو لاسونو وویشل شي، څو حق په حقدار وسپارل شي.

دویمه دا چې مرستې په متوازنه توګه ټولو سیمو ته ولاړې شي، نه دا چې یوې سیمې ته زیاته پاملرنه وشي، خو نورې سیمې بیا بیخي له پامه وغورځول شي.

په دغو سیمو کې مکتبونه او مدرسې نړیدلې دي، د هغو د بیا رغولو په اړه باید جدي ګامونه واخیستل شي، ترڅو زمونږ د هیواد د بچیانو راتلونکی د بې سوادۍ له آفت نه وژغورل شي، نو د مرستو یوه برخه باید دغه هدف ته جلا کړل شي او جمعیت اصلاح په دې اړه عملي کار ته حاضر دی، خو مادي همکاري یې بیا د نورو جهتونو پر غاړه ده.

د بدخشان ولایت د آب باریک په سیمه کې د نورو ولایتونو څخه د انجنیرانو یو لوړ پوړی پلاوی موجود وو، کله یې چې مونږ ولیدو نو پوښتنه یې وکړه: تاسې د کوم بنسټ سره تړاو لرئ؟ مونږ ځواب ورکړ: جمعیت اصلاح!، نو په ډیره مینه را وړاندې شول او روغبړ یې را سره وکړ او ویې ویل: یقینا ملت پر جمعیت اصلاح باور لري او جمعیت اصلاح هم په اخلاص سره د ولس خدمت کوي.

چالش «دموکرا دیکتاتوری» در جهان اسلام

نوشته: احمد فرید فرزاد هروی

دموکراسی یکی از مولفه های عصر نوین است که متعاقب خیزش عظیم صنعتی فکری در اروپا ظهور نمود و در کنار مولفه های سیکولاریزم، لیبرالیزم و سرمایه داری برای ساختار جوامع غرب در عرصه های سیاست، اجتماع و اقتصاد مطرح و مورد اقبال در خور توجه قرار گرفت و توانست اروپا را از یک استبداد مهلک که می رفت تا با دستان مقدس مآب اربابان کلیسا زیر چتر دین به تباهی بکشاند، نجات داد و تا حدود زیادی توانست جوامع غربی را با عدالت، حقوق بشر، حکومت های مردمی آشنا ساخته، به جنگ های ویرانگر ملی و بین المللی در اروپا پایان دهد و رویکرد دوری از خشونت، استبداد و فضای خفقان نظامی گری و... را نهادینه سازد.

این مقال کوتاه، بر آن نیست تا تعاریف، ویژه‌گی-ها و سیر تاریخی دموکراسی را در غرب به بررسی بگیرد که خود بحث مفصل دیگریست، اما آنچه مورد توجه و اهتمام این بحث قرار خواهد گرفت صادر کردن نوع نگرش دموکراسی به جهان اسلام و روند دموکراتیزه کردن کشورهای اسلامی است.

قبل آغاز دخالت غربی ها و ورود مولفه های غربی مانند دموکراسی، سیکولاریزم و سرمایه داری در جهان اسلام؛ کشورهای اسلامی طی قرن های متمادی تحت لوای واحده ی خلافت اسلامی به سان یک پیکر واحد متبارز بود و قدرت برتر جهانی محسوب می شد. همزمان با استیلای غرب، خلافت اسلامی عثمانی دوران پیری، ضعف و سستی اش را تجربه می نمود؛ بدیهی بود که با اندک تلاش و دسیسه سازی پیکر نحیف و لرزان خلافت اسلامی در ترکیه فروپاشد و زمینه را برای ورود سرسام آور محصولات فکری جدید غربی باز بگذارد. با پاگشان شدن استعمار، کشورهای اسلامی به پارچه های کوچک و سهل الهضم تبدیل و چون پرنده گان زخمین در دامان سیاست های استعماری غرب سقوط نمودند و غربیان توانستند خریداران زیادی در بازار جهان اسلام برای محصولات فکری خویش پیدا کنند.

نوع نظام جدید وارداتی توانست به زودی در قلب ارتش ها، نظام های حکومتی، ساختار اجتماعی و اقتصادی در کشورهای اسلامی رخنه کند و بانیان غربی آن برای نهادینه ساختن دموکراسی و زمینه سازی برای استثمار ملت ها تلاش های جدی را آغاز کند.

چالش از این جا آغاز می شود:

کشورهای اسلامی تجربه ی بسیار طولانی مدت در ساختار جوامع، سیاست و اقتصاد خویش داشتند که زنده گی شان را بر اساس نیاز فطری انسان در ابعاد معنا و ماده سامان داده بود و با باورها و اعتقادات عمیق ایمانی شان بافته شده بود. ساختار جوامع اسلامی بر اساس عدالت، شورا و... با پشتوانه ی تمدن والا و پویای اسلامی بنا شده بود که از دین الهی بر مبنای قرآن و سنت سرچشمه می گرفت. در مقابل ساختار های تازه وارد بر اساس تمایلات بشری و ساخته ذهن بشر بنا یافته بود. در ثانی، مردم این سرزمین ها به اسلام و نظام اسلامی اعتقاد ریشه ای داشتند، بدیهی بود که اندیشه های تازه وارد مورد اقبال مردمی واقع نشده و به زودی در مقابل تمدن کهن و اعتقادات اسلامی مردم دچار چالش شود. بررسی علل تقابل رویکرد غربی با رویکرد اسلامی خود بحث مفصل دیگریست که از حوصله ی این مقال کوچک خارج است؛ علاقمندان بحث می توانند به مقالات و کتب معتبر در این مورد مراجعه نمایند. اما در این مورد چند نکته عنوان وار قابل مطرح است:

- ضعف و ناتوانی دموکراسی و مولفه های غربی در مقابله با نظام پویای اسلامی
- نا مأنوسیت، بیگانه بودن و عدم اعتماد مردمی به نظام های تازه وارد در جوامع اسلامی

- افشای اهداف پنهان استعماری بانیان افکار جدید برای اقشار جوامع اسلامی
- عجین شدن این مولفه های ظاهراً زیبا با خشونت، سرکوب و اختناق .

این چالش همزمان با پایان یافتن دوره ی انحطاط مسلمانان و شروع عصر بیداری اسلامی و شکل گیری جریان های منظم حرکت های اسلامی در جهان اسلام وارد چالش جدی شد.

استقرار دموکراسی با استعمارگری:

غربیان که طعم شیرین پیروزی در مقابل کلیسا را هنوز در کام داشتند، با قاطعیت خود را در جهان اسلام نیز پیروز میدان قلمداد می نمودند و هر نوع گرایش اسلامی و مخالفت با مدرنیته را عقب گرایی، بنیادگرایی و مخالف پیشرفت و روند جهانی شدن عنوان می نمودند. استقرار ارزش های غربی تحت عنوان غربی سازی کشورهای اسلامی طی سه مرحله تا عصر کنونی در جهان اسلام ادامه دارد...

مرحله اول پروژه استقرار دموکراسی در جهان اسلام بوسیله ی تسلط مستقیم غربیان و استعمار فزیکی این کشورها آغاز شد و کشورهای اسلامی میان قدرت های برتر اروپایی شامل انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و... تقسیم شدند و چندین دهه سرکوب جنبش های مقاومت و آزادی خواهی ادامه یافت تا این که غربیان به این نتیجه رسیدند که هیچگاه به صورت مستقیم و با برده گی ملت ها نمی توانند در سرزمین های اسلامی آقایی کنند.

زایش «دموکرا دیکتاتوری»:

مرحله ی دوم بعد از پایان استعمار و آغاز استقلال کشورهای اسلامی آغاز می شود. غربیان طی مدت استعمار توانستند مهره های کدری غرب گرا را تربیه و در صدر رهبری کشورهای اسلامی مطرح سازند؛ تا بعد از پایان دوران استعمار به عنوان رهبران مورد قبول جوامع اسلامی عرض اندام نمایند. اما چالش اصلی زمانی شروع شد که دموکراسی به عنوان نظامی که شالوده ی آن بر اساس رجوع به آرای اکثریت جامعه، آزادی و دوری از خشونت، سرکوب و استبداد بنا یافته بود، در آزمون مردمی انتخابات و صندوق های رأی در کشورهای اسلامی ناکام بر آمد و در حضور طرفداران اسلام گرایان همراه با غرب گرایان در انتخابات مردم رأی اعتماد شان را حرکت های اسلامی دادند و یکصدا اعلام داشتند که حاکم ساختن غرب گرایان تسلل استعمار پیشین است. بدین ترتیب اداره ی امور شان می باید در دست کسانی باشد که با عقیده و ایمان شان مشترک اند و هیچگاه نمی پذیرند بیگانه گان و بیگانه گرایان سرنوشت شان را در دست بگیرند. این جا بود که غربیان سر دوراهی قرار گرفتند، یا می بایست بنا بر ماهیت ادعاهای شان به آرای عمومی احترام می گذاشتند و روی تمام تلاش ها، اهداف و آرزوهای استعماری شان خط بطلان می کشیدند و یا این که بر خلاف جهت ادعاهای شان دست به تزویر، دورویی و سیاست یک و دو هوا بزنند؛ غربیان با خوی استعمارگری که داشتند گزینه ی دوم را انتخاب نموده و با حمایت بی دریغ از مهره های تربیت یافته ی شان، دست آنها را برای هرنوع برخورد خشونت آمیز، سرکوب و اختناق باز گذاشتند. در پرتو همین حمایت ها، سیکولارهای شرقی توانستند با بی شرمی تمام صندوق های رأی را به گلوله ببندند، سرک‌ها را با تانک های نظامی پر کنند و هر نوع صدای مخالف را در گلو خفه کنند، زندان ها پر از کسانی شد که به جرم دفاع از عقیده و ایمان بپا خواسته بودند، چوبه های دار فعال شد و بسیاری از مخالفان در گورهای دسته جمعی دفن شدند. این رویکرد خشونت آمیز که چهره ی اصلاح مدعیان و حامیان دموکراسی را به نمایش می گذاشت در چندین کشور اسلامی برای چندین بار روی داد و حکومت های منتخب مردمی را ساقط و حکومت های نظامی خودکامه را جایگزین ساخت؛ برای نمونه کشورهایی که محراق تهاجم دموکراتیک قرار گرفته بودند، از جمله ترکیه، مصر، الجزایر، فلسطین و... را می توان مثال داد که شاهد شدید ترین برخورد ها و مبارزات بین اسلام گرایان و دموکرات های لیبرال بوده است. و این چنین دموکراسی وارداتی غرب در جهان اسلام با استبداد و دیکتاتوری مزوج شد و از آن پدیده ی نامیمون دیکتاتوری در قالب دموکراسی بوجود آمد که میتوان آن را اصطلاحاً «دموکرا دیکتاتوری» نامید.

با آنکه غرب به خوبی دریافته بود که استقرار دموکراسی در جهان اسلام امری ناممکن است؛ چنانچه بعضی از نظریه پردازان سیاسی (مانند ساموئل هانتیگتون) این نتیجه را مطرح نمودند که دموکراسی در کشورهای اسلامی امکان پذیرفته شدن را ندارد، بلکه اسلام خود، به عنوان یک نظام و رقیب در برابر غرب مطرح است که ناگزیر به

«برخورد تمدن ها» خواهد انجامید؛ اما از آنجایی غربیان با اهداف دیگری وارد شرق شده بودند و حمایت از دموکراسی، حقوق بشر و آزادی به عنوان ابزاری برای حضور سیاسی و اقتصادی در منطقه مورد استفاده قرار می گرفت؛ تحمیل دموکراسی و ارزش های غربی با هر شیوه ی ممکن در سر خط حمایت های غرب از حاکمان جدید لیبرال کشورهای غربی قرار گرفت و لو به پشت پا زدن به تمام اصول مورد ادعای دموکرات ها صورت پذیرد، تا روند جهانی شدن (آمریکایی شدن) کشورهای اسلامی تسریع یابد.

علی رغم مخالفت های عمومی و مبارزات جریان های اسلامی، روند سرکوب، اختناق، زندان و شکنجه، اعدام و کشتار غیرنظامی و ارزش ستیزی علنی با اسلام و حذف نمادهای اسلامی در کشورهای اسلامی توسط شاهان دموکرات کشورهای عربی با حمایت بی دریغ غربیان تا شروع بهار عربی به همین منوال ادامه یافت.

بهار عرب و مدیریت بحران:

مرحله ی سوم همزمان با شروع بهار عرب و خیزش حق طلبانه مردمی علیه استبداد و خودکامه گی بت های شاهی غرب شروع می شود که غرب به خوبی با گوشت و پوست احساس نموده بود که صبر مردم در برابر ظلم و استبداد سر آمده است. لذا سیاست تزویر تقاضا می نمود تا غرب به حمایت مستقیم از حکام خود کامه پایان دهد و ظاهراً هم که شده تا جایی که منافع اش تقاضا کند، از بهار عربی حمایت نماید. گرچه موج توفنده خیزش مردمی بنیان چندین تن از حکام را در تونس، لیبیا، مصر برکند، اما غربیان توانستند با مکاری تمام منافع شان در این کشورها حفظ کنند و مهره های جایگزینی را دست و پا کنند.

در این میان سوریه و مصر شاید داغترین و حساس ترین سرنوشت را در روند بهار عرب تجربه نموده اند که در خور توجه و تحلیل است. در مصر غربیان و اسراییل در یک معامله ی شوم و به کار گیری ارتش و مشتی سیکولار دموکرات این کشور، توانستند طبق عادت همیشه گی حکومت منتخب و مردمی این کشور به رهبری دکتور محمد مرسی را ساقط نموده و حکومت خودکامه و دیکتاتوری نظامی را بر سر کار نمایند که در این جریان دردناکترین و اسفبارترین فجایع قرن یعنی کشتار غیر نظامیان و سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز تا هنوز در این کشور ادامه دارد. فعالیت احزاب مخالف و به خصوص اخوان المسلمین را غیر قانونی ساخته و هزاران تن از اعضا و رهبران این جنبش اسلامی را در زندان انداخته، شهید و به اعدام محکوم نموده اند؛ تا با استقرار نظامیان سیکولار غرب گرا منافع اسراییل و آمریکا در کشور همچنان حفظ شود و کدام خطری متوجه امنیت اسراییل نشود.

در سوریه اما جریان به شیوه ی دیگر مدیریت شد، طوریکه ماه ها اعتراض مدنی نتوانست دیکتاتور این کشور را مجبور به عقب نشینی سازد و کار به مبارزات مسلحانه انجامید و تا کنون این خشونت ها ادامه داشته و منتج به شهادت چندین هزار نفر کودک، زنان و پیر و جوان، آواره گی ملیون ها خانواده و بار آمدن خسارات جبران ناپذیر در پیکر اجتماعی اقتصادی سوریه گردیده است. طوری که معلوم می شود، غربیان – آمریکا، اسراییل و اروپاییان – پیروزی هیچ طرف درگیر را در سوریه به سود خود نمی بینند؛ حمایت از بشار اسد خودکامه و خونریز به صورت غیر مستقیم سیاستی است که اکنون سر میز کاری غربیان و اسراییل نهاده شده است، تا از نفوذ اسلام گرایان بر ارتش و حاکمیت سوریه جلوگیری شود و خطری را متوجه امنیت اسراییل نسازد، در ثانی بازکردن پای شاخه ای از القاعده در جنگ سوریه و در افتادن با ارتش آزاد، از یکسو هیزم جنگ تبلیغاتی رسانه های غرب را مهیا ساخته و از سویی تداوم جنگ و افزایش بحران در سوریه را تضمین می کند تا هیچ طرف نتواند شرایط را به سود خود پایان بخشد.

در این میان آنچه مضحک تر از همه چیز نمایان می شود، در چنین شرایط بحرانی و فضای خفقان آور دیکتاتوریک؛ راه اندازی انتخابات نمایشی دموکرات مآبانه است که حاکمان فعلی این دو کشور روی دست گرفته اند و می خواهند با استفاده از شیوه ی دموکراتیک برای خود وجهه ی نمایشی دست و پا کنند. در سوریه پنجاه سال است که خاندان مستبد اسد –پدر و پسر- قدرت را در دست دارند و اکنون به فکر انتخابات دموکراتیک!! افتاده اند و با شرایطی اجباری که برای کشانیدن مردم به پای صندوق های رأی در نظر گفته اند تا بدیهی است که با این نمایش دموکراتیکی نیز اسد دو باره بر کرسی ریاست جمهوری این کشور تکیه زند و قانوناً به کشتار مردم بی دفاع سوریه ادامه دهد. این نمایش مضحک در حالی اجرا می شود که بیش از ۲,۵ میلیون نفر از آواره گان سوری در خارج از این کشور به سر می برند.

در مصر فرعون زمان و ارتش این کشور بر تمامی ابعاد زنده گی مردم چنبره زده اند و حتی رفت و آمد مردم به مساجد را نیز کنترول می کنند و تمامی ارگان ها را در اختیار دارند؛ لذا پیروزی این دو دیکتاتور نه تنها در انتخابات حتمی است بلکه در پرتو شعاع چراغ سبز غربیان، موضوعی از پیش تعیین شده است. زیرا غربیان از هر نوعی حکومتی با شرط تأمین امنیت اسراییل و همنوا با استراتیژی منافع غرب، حمایت می کنند و لو که دیکتاتور سیکولاری مانند عبدالعزیز بوتفلیقه که بیمار و دم مرگ است، را در ۸۰ سالگی به صورت سمبولیک کاندیدای ریاست جمهوری الجزایر نموده و با اکثریت قاطع ۸۱,۵ درصدی آراء به پیروزی برسانند.

حال؛ در این چنین فضا و این چنین انتخابات نمایشی را که توسط دیکتاتورانی مانند اسد و سی سی انجام پذیرد و در آن مردم به جبر و اکره و با زور گلوله و از ترس جان، پای صندوق های رأی کشانیده شوند، چه می توان نامید جز انتخابات «دموکرا دیکتاتوری»

هشدار علمای افغانستان به دولت

به گزارش خبرگزاری بخدی، شماری از علمای دین در ولایت هرات در غرب افغانستان از آنچه آنان افزایش اختلافات قومی و نژادی در کشور می خوانند اظهار نگرانی کرده و هشدار دادند که دولت به حل این اختلافات توجه نمی کند.

شماری از علمای دین در ولایت هرات در غرب افغانستان از آنچه آنان افزایش اختلافات قومی و نژادی در کشور می خوانند اظهار نگرانی کرده و هشدار دادند که دولت به این اختلافات توجه نمی کند.

این علما، از دولت خواستند که جلو بروز اختلافات قومی و نژادی را بگیرند و به گفته آنها نگذارند این مسایل یک بار دیگر دامنگیر افغانستان شود.

مولوی نوراحمد احمدی استاد درالعلوم غیاثیه در هرات گفت ":دامن زدن به اختلافات قومی در افغانستان به نفع هیچ کس نیست از این اوضاع فقط دشمنان افغانستان بهره میبرند و باید این پدیده متوقف شود."

اگرچه این علما به یافته های شان در مورد افزایش اختلافات قومی اشاره ای نکردند اما ظاهرا صحبت های آنها در مورد نگرانی های بود که در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بروز کرده است.

خیلی ها می گویند که نامزدان ریاست جمهوری معاونان شان را بر اصل شایسته سالاری انتخابات نکردند و مدعی هستند که فضای سیاسی و انتخاباتی افغانستان رنگ و بوی قومی و نژادی گرفته است.

آنها ادامه این روند را برای آینده افغانستان نگران کننده خواندند و گفتند که طیف وسیعی از گروه های سیاسی و وابسته به جریانات سه دهه اخیر، مسایل قومی را وارد کارزار انتخاباتی و گفتمانهای سیاسی کردند.

رد پای مقامات حکومت

علمای دین در هرات که در همایش بزرگ مردمی موسوم به "هفته احیاء سنت نبوی" به روز جمعه به هزاران هواداران شان سخنرانی می کردند گفتند که پایان دادن به اختلافات قومی وظیفه دولت افغانستان و هر افغان است.

آنها گفتند که دشمنان افغانستان و گروه های خاص در ده سال گذشته بگونه هدفمند، به قصد امتیاز گیری و منفعت های شخصی اختلافات قومی را دنبال کردند.

مولوی محمد اسرائیل، دولت آقای کرزی را در مهار این اختلافات ناتوان خواند و گفت که برخی از مقامات حکومتی عامل بروز اختلافات قومی در حکومت هستند. او در این مورد از کسی نام نبرد.

افزایش تشکل های قومی به شکل افراطی، اخیراً شکایت زیاد شهروندان افغانستان را بدنبال داشته است.

آگاهان امور سیاسی می گویند که افغانستان همواره از مسایل قومی آسیب پذیر بوده و دامن زدن به موضوعات قومی کشور را به سوی بحران خطرناک سوق می دهد.

نشرات غیراسلامی

علمای هرات که به مناسبت فرارسیدن هفته احیاء سنت نبوی سخنرانی می کردند گفتند که شماری از رسانه های افغانستان به عوض مطرح کردن مسایل مهم افغانستان جامعه را به طرف فحشا و بی بندوباری سوق می دهند.

مولوی محمد محب از مسولان انجمن امام غزالی برخی از رسانه ها را در نشر و پخش صحنه های غیر اخلاقی و رقص زنان متهم کرد.

او از این رسانه ها نام نگرفت اما از مسوولان رسانه ها خواست که برنامه هایشان را باحفظ مشونات اسلامی و روحیه ملی آماده کنند.

قبل از این نیز، علمای افغانستان از آنچه آنان نشر برنامه های غیراسلامی خوانده بودند، به رسانه ها هشدار داده بودند.

شورای سراسری علما پیش از این چندین بار از وزارت اطلاعات و فرهنگ خواسته بود که زمینه نشر برنامه های که با مسایل دینی در تضاد است را بگیرد.

این شورا به نشر سریال های خارجی به ویژه هندی اشاره کرده و گفته بود که این سریال ها غیر اسلامی است.

وزیر اطلاعات وفرهنگ در واکنش به این موضوع گفته بود که در مورد برنامه های بعضی از رسانه ها "شکایات فراوان از خانواده ها و شورای علما" دریافت کرده و مجبور است به این شکایات رسیدگی کند.

با این حال، علمای هرات از وزارت های اطلاعات و فرهنگ و حج و اوقاف خواستند که زمینه برگزاری یک گفتمان اسلامی در کشور را فراهم کنند.

آنها می گویند که در این گفتمان بیشتر موضوعات اسلامی و راهکار برای بیرون رفت از چالش های که امروزه دامنگیر مردم افغانستان شده مطرح خواهد شد.

اریکی: habibi@eslahonline.net

گلبرگهای ادبی

سعدی می گوید:

یکی از بزرگان را به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می کردند.
سربرآورد و گفت: من آنم که من دانم.

شخصم به چشم عالمیان خوب منظر است
وز خبث باطـــنم سر خجلت فتـــاده پیش
طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق
تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

خطاب ابراهیم ادهم (رح) به کاندیدان ریاست جمهوری

شنیدم که سلطانی بی تاج و تخت
هم از تاج بگذشت و هم از سپاه
نمد پاره یی از شبانان گرفـــت
روان شد به عزمی که یابد نشان
بسر برد عمری به آواره گـــی
مهین بانوی شاه بی تاب شـــد
زن با وفا عاشق شوهر است
سراپرده بیرون زد از شهربند
بدر برد از شهر فرزند خویش
پس از راه پیمایی و مشکلات
بدیدند گم کردهٔ خویـــش را
که چون بینوایان نشسته به خاک
به سوزن همی دوخت پیراهنش
چو بانو نگاه کرد در شهر یار
نیایش بنا کرد و افغـــان نمود
که ای زینت بارگاه و سپـــاه
چرا روی از خلق برتافتـــی
نه این کودک نغز دلخواه تو
چرا پای بر تخت و مهین زنی
نگه کرد سلطان سوی آسمان
اگر از همه دور افتـــاده ام
مرا خوش بود دلق خود دوختن
همان به که بر خرقه سوزن زنم
نه مظلوم را تیـــغ بر تن زنم

چو از بلخ نامی بدر برد رخت
هم از کشور و مسند بارگـــاه
شبانگاه راهی بیابان گرفـــت
ز راز جهان آفرین و جهـــان
در اطراف گیتی به بیچاره گی
سراسیمه مانند سیماب شـــد
که شوهر زجانش گرامیتر است
به دنبال شه با دل دردمنـــد
جگر گوشه طفل برومند خویش
رسیدند روزی کنـــار فرات
شـــه بلخ سلطان درویش را
به تن جامهٔ کهنه چاک چاک
گهی آستین و گهـــی دامنش
بر آن حال افسردهٔ رنجبـــار
شکایت کنان لب به زاری گشود
خداوند شمشیر و تخت و کلاه
درین گوشهٔ دور بشتافتـــی
که شهریست یکسر هوا خواه تو
چرا جای شمشیر سوزن زنـــی
به پاسخ چنین کرد گویـــا زبان
چه دولت ازین به که آزاده ام
نه دل های مخلوق را سوختن

ومعلوماتي

ښکلي خبرې

- پوهه او علم پاک دي، نو په ناپاکو زړونو کې ځای نه نیسي.
- څوک چې په خپل زړه او احساساتو بر لاسی نه شي، پر هیڅ شي هم نه غالبېږي.
- د وجدان عذاب، په سوزنده سارا کې تر مرګ ډېر بد دی.
- ډېر ستر امتحان اخستونکی الله تعالی دی او ډېر کوچنی ازمون ور کوونکی د الله بنده.
- د دې پر ځای چې له خپلو دښمنانو سره کینه وکړو، باید د الله شکر پر ځای کړو چې زموږ ژوند یې د هغوی په څېر نه دی کړی.
- موسکا کوم لګښت نه لري، خو ګټه یې ډېره زیاته ده.
- د ژوند غوره دستور دا دی چې پر خپل نفس باور ولرو.
- څومره چې انسان حساس وي هغومره رنځ وړي.
- بدایان او شتمن جنګ پیلوي، او فقیران او بې وزله پکې مري.
- تر زړه هیڅ شی هم آسانه نه ماتېږي.
- حق خبره، که یې ونه منې هم پر تا به اغېز ښندي.
- هغه څه چې په قهر او غضب پیلېږي، پایله یې شرم او پښیماني وي.

استاد خلیلی می گوید:

شهرت طلبی چند به هم ساخته اند
چون گرگ گرسنه در جهان تاخته اند
کردند به زیر پا هزاران سر و دست
تا گردن شوم خود بر افراخته اند

****

یارب به کسانی که جگر سوخته اند
یک عمر متاع درد اندوخته اند
خاکم به هوای آن جوانمردان کن
کز هر چه بجز تو دیده بردوخته اند

****

گر علت مرگ را دوا می کردند
گر چاره ی این نوع دو پا می کردند
می دیدی کاین جماعت تیره نهاد
بر روی زمین چه فتنه ها می کردند

پنځه شیان له زوال څخه مخکې غنیمت وګڼئ:

۱- روغتیا مخکې له نا روغتیا څخه.
۲- راحت مخکې له تکلیف څخه.
۳- ژوند مخکې له مرګ څخه.
٤- ځواني مخکې له زړښت څخه.
٥- پراخي مخکې له غربت څخه.

اصلاح رسنیز گروپ: حکمت الله خلاند

د کابل ښاروال او ولسي جرګې ترمنځ ناندرې

د ښـــاریانـــو او شنونکو له نظره

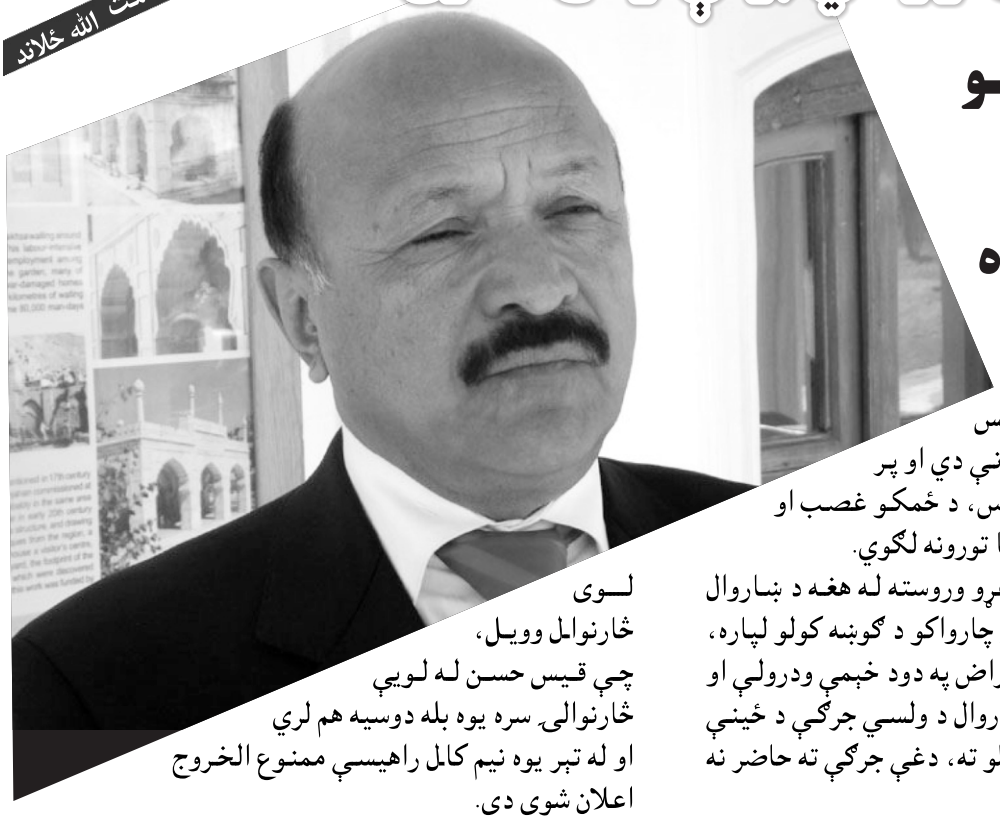

له تېرې څه مودې راهیسې د ولسي جرګې د ځینې غړو او کابل ښاروال محمد یونس نواندېش تر منځ ناندرې روانې دي او پر یو بل د ناقانونه کړنو، اختلاس، د ځمکو غصب او په اداري فساد کې د ښکېلتیا تورونه لګوي.

د ولسي جرګې شاوخوا شلو غړو وروسته له هغه د ښاروال او د دغې ادارې د ځینې نورو چارواکو د ګوښه کولو لپاره، د ښاروالۍ په انګړ کې د اعتراض په دود خېمې ودرولې او تحصن یې پیل کړ، چې ښاروال د ولسي جرګې د ځینې غړو د تورونو په اړه ځواب ویلو ته، دغې جرګې ته حاضر نه شو.

د ولسي جرګې غړو کابل ښاروال د ځمکو پر غصب او د بیارغونې په پروژو کې پر فساد کولو تورن کړی؛ خو ښاروال بیا دا تورونه ردوي او وایي، چې د ولسي جرګې د رئیس په ګډون، ګڼ شمېر وکیلانو په کابل ښار کې د ځمکو ورکولو غوښتنه ترې کړې؛ خو ده یې غوښتنې نه دي منلې.

یو شمېر وکیلانو ولسمشر حامد کرزی هم د کابل ښاروال پر ملاتړ تورن کړی او ګواښ یې کړی، چې که ولسمشر په دې اړه ګام پورته نه کړي، نورو مدني اعتراضونو ته به مخه کړي؛ چې ولسمشر هم دا موضوع لویې څارنوالۍ ته د څېړنې لپاره راجع کړې ده.

لوی څارنوال محمد اسحاق الکو په یوه خبري غونډه کې پر ښاروال د لګېدلو تورونو انګېزه شخصي او د ولسي جرګې د مشر په ګډون د ځینې وکیلانو له خوا، په کابل ښار کې د ځمکو غوښتنې وبللې او د بېلګې په توګه یې وویل، چې د ولسي جرګې د مواصلاتو او مخابراتو د کمیسیون مشر قیس حسن د خپل ورور په نوم ښارګوټی لري، چې 300 جریبه ځمکه په قانوني ډول ورکړل شوې؛ خو اوس یې تر 700 جریبه پورې ځمکه لاندې کړې ده.

لوی څارنوال وویل، چې قیس حسن له لویې څارنوالۍ سره یوه بله دوسیه هم لري او له تېر یوه نیم کال راهیسې ممنوع الخروج اعلان شوی دی.

په داسې حال کې چې د افغان دولت ډېری جګپوړي چارواکي په ناقانونه کړنو او اداري فساد کې ښکېل دي، یوازې د ښاروال د ګوښه کولو لپاره د ولسي جرګې د ځینې غړو دومره ټینګار څه انګېزه لري؟ او دا چې د دې موضوع اصلي انګېزه څه ده؟ آیا په رښتیا هم ښاروال په ناقانونه کړنو او اختلاس کې ښکېل دی او که بالعکس د ولسي جرګې پر غړو د کابل ښاروال تورونه پر ځای دي او یا هم کومه بله سیاسي لوبه روانه ده؟ دا او ځینې نورې پوښتنې مو د ولسي جرګې له غړو، د سیاسي چارو له شنونکو او کابل ښاریانو څخه پوښتلې دي:

د عامو ښاریانو له نظره د کابل ښاروال د تېرو کلونو فعالیتونه

د کابل ښار د پېنځمې حوزې اوسېدونکی عبدالرحیم، د ښاروال پر کارونو نیوکې لري او وایي، چې ښاروال تل غوړې ژمنې ورکړې دي؛ خو د کار څرك یې نه لګېږي.

نوموړی وایي: «کابل ښاروال تل د رسنیو له لارې د کارونو ژمنې ورکوي، خو څرنګه چې ښایي هغسې کار یې نه دی کړی. ښاروال ژمنه کړې وه، چې د کابل په ټولو سیمو کې به د رغونې کارونه کوي؛ خو د بېلګې په توګه د کمپنۍ سیمه لاهم په خپل پخواني حال پاتې ده او هېڅ کوم د پام وړ کار نه دی پکې شوی.»

د خوشحال مېنې اوسېدونکی رحمت الله هم د ښاروال له کارونو خوښ نه دی او وايي، چې ښاروال د دې ترڅنګ چې کار يې نه دی کړی، په اداري فساد کې هم ښکېل دی.
رحمت الله وايي: «زموږ کور په خوشحال مېنه کې دی، په تېرو ورځو کې هرکله چې باران پيل شي، زموږ د کور د مخې کوڅه له اوبو ډکه وي، نه کوڅې جوړې شوې دي او نه هم د اوبو د وتلو لارې ورته جوړې شوې دي، زه نه پوهېږم چې د ښاروال کار څه دی، يوازې د چارواکو د کورونو شاوخوا کوڅې جوړول او که د ټول ښار د جوړولو مسؤوليت لري.»
نوموړی زياتوي: «د دې ترڅنګ چې ښاروال کار نه دی کړی، اوس دا څو ورځې په رسنيو کې اورو، چې پر ښاروال د ناقانونه کړنو او اداري فساد تورونه هم دي، که دا تورونه ټول هم پر ځای نه وي، مګر خامخا يو څه شته دي او ښاروال په اختلاس او اداري فساد کې لاس لري، بې ځايه خو هم څوك تورونه نه لګوي.»

آيا د وکيلانو او ښاروال ترمنځ ناندرۍ شخصي انګېزه لري؟

دا چې له تېرې څه مودې راهيسې د ولسي جرګې د غړو او کابل ښاروال تر منځ ناندرۍ روانې دي، پوښتنه دا ده، چې آيا په رښتيا هم کابل ښاروال په ناقانونه کړنو کې لاس لري او که بالعکس د ولسي جرګې پر غړو د کابل ښاروال تورونه پر ځای دي؟ په ولسي جرګه کې د بلخ ولايت استازی فرهاد عظيمي د دې پوښتنې په ځواب کې وايي: «زما په نظر دا د ولسي جرګې د څو غړو او ښاروال تر منځ شخصي ستونزه نه ده؛ بلکې د ولسي جرګې او ښاروال تر منځ ستونزه ده.»
نوموړی زياتوي، چې "په ولسي جرګه کې د ښارواليو د کارونو د څارنې يو کميسيون شته دی، چې د کابل ښارواليۍ په کارونو کې يې، د ځينې ناقانونه کړنو، ستونزو او بې غوريو په اړه غږ اوچت کړی؛ له همدې امله ولسي جرګې پرېکړه وکړه، چې ښاروال استجواب شي؛ خو کابل ښاروال په ډېره بې اعتنايۍ سره ولسي جرګې ته حاضر نه شو. نو دا چې ولسي جرګه د ښارواليۍ په ګډون د ټولو دولتي ارګانونو پر کارونو د څارنې صلاحيت لري، ولسي جرګه اړه شوه چې د ښاروال د ګوښه کولو مصوبه صادره کړي."
د ولسي جرګې بل غړی عبدالحفيظ منصور په دې اړه وايي، چې که څه هم ولسي جرګه د ښاروال د ګوښه کولو صلاحيت نه لري؛ خو د ښارواليۍ پر کارونو د څارنې صلاحيت لري او ښاروال بايد ولسي جرګې ته د ځواب ويلو لپاره حاضر شوی وای.

نوموړی زياتوي: «د ملي شورا يو صلاحيت هم د حکومت پر کارونو څارنه ده، د افغانستان په اساسي قانون کې دا مسئله درج شوې ده. د ملي شورا دواړې جرګې، هم ولسي جرګه او هم مشرانو جرګه دا صلاحيت لري، چې دولتي چارواکي د ځواب ويلو او وضاحت ورکولو لپاره وروغواړي. د ولسي جرګې له اتلسو کميسيونونو څخه يو يې هم په همدې تړاو په ولسي جرګه کې د مواصلاتو، مخابراتو او ښارواليو په نوم فعاليت کوي، چې ښاروال يې ولسي جرګې ته د ځواب ويلو لپاره راغوښتی و، خو ښاروال ځواب ويلو ته حاضر نه شو.»
د ده په وينا، کله چې ښاروال ولسي جرګې ته د ځواب ويلو لپاره حاضر نه شو، ولسي جرګې د اداري فساد پر وړاندې د مبارزې اداري ته ور وپېژانده، خو ښاروال هلته هم حاضر نه شو؛ ځکه نو ښاروال د ولسي جرګې پر وړاندې د اساسي قانون يوه ماده تر پښو لاندې کړه او په درېيم ګام کې موضوع له ولسمشر سره مطرح شوه، چې هغه هم ژمنه وکړه، چې د ښاروال دنده به ځنډوي او لويې څارنوالۍ ته به يې ورپېژني؛ مګر ولسمشر هم له بده مرغه پر خپله ژمنه وفا ونه کړه.
ښاغلی منصور وايي: «ښاروال د دې پر ځای چې د لګېدلو تورونو ځواب ووايي، پر وکيلانو يې تورونه ولګول، چې په اوسني وضعيت کې نه شم ويلای، چې دا تورونه سم دي کنه؟ خو دا تورونه يې داسې مهال لګولي، چې خپله تورن دی او داسې مهال بيا دا تورونه د اورېدو وړ نه دي، ځکه د ولسي جرګې هر غړي چې له ده څخه ناقانونه غوښتنې کړې دي، ولې يې مخکې له دې چې استجواب شي، دا موضوع نه مطرح کوله.»
د ده په خبره، "که په رښتيا هم له ښاروال څخه دارنګه غوښتنې شوې وي، نو دا بيا يو بل جرم دی، چې د ناقانونه غوښتنو پر وړاندې چوپ پاتې شوی دی. دا ادعا چې هر چارواکی د استجواب او استيضاح پر مهال کوي، چې د ولسي جرګې غړو غيرقانوني غوښتنې ورڅخه لرلې او له همدې امله يې استجواب کړی يا استيضاح کړی دی، دا خبره پر هغه چارواکي د لګېدلو تورونو ځواب او دليل نه شي کېدای."
د ويسا ورځپاڼې مسؤول مدير او د سياسي چارو شنونکی محمد زبير شفيقي په دې اړه وايي: «لومړی خو دا چې له بده مرغه په افغانستان کې فساد په ټولو ادارو کې اوج ته رسېدلی دی؛ خو دا چې د ښاروال او ولسي جرګې تر منځ موضوع اوس څارنوالۍ ته رسېدلې ده؛ نو د دې لپاره چې خبره په سم ډول د اسنادو له مخې ثابته شي، بايد لويه څارنوالي دا مسؤوليت درك کړي او په دې موضوع کې

دقت وکړي او هر څوك چې په فساد کې ښکېل دي، ملت ته وروپېژندل شي او سزا ورکړل شي.»

پر لوی څارنوال او ولسمشر د ښاروال د ملاتړ تورونه

یو شمېر وکیلان چې د ښاروال پر ضد یې غږ اوچت کړی، ولسمشر کرزی او لوی څارنوال د کابل ښاروال په ملاتړ تورنوي او وایي، چې ولسمشر د ښاروال ملاتړی دی او لوی څارنوال هم د ولسمشر کرزي په اشاره کار کوي.

فرهاد عظیمي په دې اړه وایي: «کرزی د ښاروال ملاتړ کوي او د افغانستان د خلکو غږ په پام کې نه نیسي او څو تنه وکیلان تورنوي، چې شخصي ستونزه لري؛ ښاروال باید ولسي جرګې ته راغلی وای او وکیلانو ته یې ځواب ویلای وای، که ستونزه د څو وکیلانو او ښاروال تر منځ وه، ښاروال کولای شوای، چې هغه وکیلان یې لویې څارنوالۍ ته ورپېژندلي وای. خو اوسمهال ښاروال د ولسي جرګې قانوني صلاحیتونه له پامه غورځوي او که ولسمشر له ښاروال څخه ملاتړ کوي؛ نو خپله ولسمشر باید د اساسي قانون د 69 مادې له مخې په خیانت تورن شي.»

نوموړی زیاتوي، چې "لوی څارنوال هم د کرزي د لاس اله ده او د څارنوالۍ د چارو مخته وړلو توان نه لري او د نورو په اشاره کارونه کوي."

ښاغلی حفیظ منصور بیا په دې اړه وایي: «لومړی خو دا چې لوی څارنوال له تېرو څلورو کلونو راهیسې په ناقانونه ډول خپله دنده مخته وړي، ملي شورا لوی څارنوال اصلاً په رسمیت نه پېژني او هغه عزل شوی دی. دویمه خبره دا ده چې بحث په ځمکه نه دی، بحث پر دې دی، چې هغه 17 دوسیې چې ولسي جرګې لویې څارنوالۍ ته لېږلې دي، څارنوالي باید لومړی هغه وخېړي او ووایي، چې د څه جرم څرګندونه کوي او کنه. د هغو دوسیو له څېړلو وروسته بیا ووایي، چې نه یوازې په دغو دوسیو کې د ښاروال د مجرم والي په اړه څه نشته او هغه برئت لري؛ بلکې سربېره پر دې دا ډول ناقانونه غوښتنې هم وکیلانو له ده څخه کړې دي.»

د ده په وینا، د ولسي جرګې مطلق اکثریت غړي په دې باور دي، چې ولسمشر کرزی د ښاروال ملاتړ کوي.

خو د سیاسي چارو شنونکی محمد زبیر شفیقي بیا په دې نظر دی، چې لوی څارنوال یو مسؤول مقام او مهم ارګان دی، نو ولې له سند او دلیل پرته داسې څرګندونې وکړي، چې یو څوك په فساد کې ښکېل وبولي او یوه بل چا ته نسبي برئت ورکړي.

نوموړی زیاتوي: «د خلکو تمه له لویې څارنوالۍ څخه دا ده، چې داسې څرګندونې ونه کړي؛ زه د ښاروال د تورونو په تړاو څه نه شم ویلای؛ خو وکیلان هم مهم خلك دي د ولس استازي دي، د کوم څه په اړه چې اسناد لري، باید په غور سره وڅېړل شي او په شفاف ډول پای ته ورسېږي.»

ښاغلی شفیقي زیاتوي: «د ولسمشر کرزي په مصلحت پرستۍ کې شك نشته دی او په تېرو دیارلسو کلونو کې یې مصلحتونه پاللي دي؛ خو په مشخص ډول د ښاروال په تړاو څه نه شم ویلای، چې ولسمشر به یې د درغلیو، ناقانونه کړنو او غلاوو دفاع کوي او کنه.»

یوازې د ښاروال د ګوښه کولو لپاره دومره ټینګار د څه لپاره؟

په داسې حال کې چې د افغان دولت جګپوړي چارواکي ډېری په اداري فساد او ناقانونه کړنو کې ښکېل دي، دا چې یوازې د ښاروال په اړه د ولسي جرګې د غړو دومره ټینګار په څه معنا کېدای شي؟ په اړه یې فرهاد عظیمي وایي: «کله چې یوه فرد ته مسؤولیت متوجه کېږي او له قانوني پلوه یې درغلي برملا کېږي، باید ځواب ووایي؛ دا معنا نه لري چې یو څوك ووایي ما غلا کړې؛ خو په ټولنه کې غله زیات دي او ټول باید ونیول شي. عدلي او کشفي ارګانونه دا مسؤولیت لري، چې غله او فاسد کسان ونیسي؛ خو یو څوك چې نیول کېږي، نو په فردي ډول باید خپل ځواب ووایي؛ اوس چې ښاروال پر فساد تورن شوی باید ځواب ووایي او له دې لارې ځان نه شي خلاصولی، چې ګویا زیات کسان په اداري فساد کې ښکېل دي او خپل تورونه پرې پټ کړي.»

حفیظ منصور هم په دې اند دی، چې که څه هم په دولتي ارګانونو کې پراخ فساد شته دی؛ خو د چا په اړه چې اسناد شته دي، هغه باید محاکمه شي.

نوموړی وایي: «اصلاً مسئله دا ده، چې د بېلګې په توګه په عمومي ډول ویل کېږي، چې په فلاني ځای کې قتل شوی؛ خو قاتل معلوم نه دی، فلانی ځای ویجاړ شوی؛ خو ویجاړوونکی یې معلوم نه دی. دا چې په دولت کې په پراخه پیمانه فساد شته دی، څرګنده خبره ده؛ خو د ښاروال په اړه خو دوسیې او دلیلونه شته دي اسناد شته دي او شاوخوا 17 دوسیې دي، چې له مخې یې د ملاصلاتو، مخابراتو او ښاروالیو کمیسیون دا اقدام کړی دی.»

محمد زبیر شفیقي هم ورته نظر لري او وایي: «یو څوك چې په فساد کې ښکېل وي، په دې معنا نشي کېدای چې د نورو مخه دې خلاصه وي؛ ټول افراد، اداري او ارګانونه چې په فساد کې ښکېل دي، عدلي او قضایي ارګانونه مکلف دي، چې محاکمه یې کړي.»

د ده په وینا، اوس چې د ښاروال په تړاو خبره د وکیلانو تر تحصن او اعتراضونو پورې رسېدلې ده او حکومت مجبور شو، چې مسئله لویې څارنوالۍ ته راجع کړي؛ نو اوس باید همدا موضوع په سمه توګه وڅېړل شي او څوك چې په غلاوو او فساد کې لاس لري، ملت ته وروپېژندل شي. پای

مکتوب امتنانیهٔ
شورای حشرات شهر کابل
به مقامات کشور

بمقام محترم شاروالی کابل، وزارت انکشاف شهری، وزارت تجارت، وزارت صحت عامه، ادارهء ترافیک، ریاست حفظ محیط زیست و سایر ارگان ها، اشخاص و افرادی که در آلودگی هوا، ملوث ساختن منابع طبیعی و همچنان در کثافت محیط زیست نقش اساسی و مهمی را ایفا نموده اند!

به مناسبت احساس نیک خزنده پروری و حشره دوستی و به پاس خدمات شایستهء شما که ازطریق کثافتایزیشن کشور درین چند سال متوالی به ما حشرات مضره و خزندگان انجام داده اید، بدینوسیله شورای سرتاسری حشرات و خزندگان مضرهء شهر کابل، مراتب تشکری و امتنان خویش را ازصمیم قلب خدمت شما کثافت دوستان و نجاست پروران ابراز می نماید. مزید برآن از همکاری های متداوم شما در راستای آلودگی هوا و محیط زیست کشور و همچنان کثافتایزیشن شهر کابل و سایر ولایات قدر دانی بعمل آورده امید است احساس حشره دوستی و خزنده پروری تان در راستای ازیاد کثافات، آلودگی هوا و تکثیر مکروبهای کشنده، کمافی السابق ادامه یابد.

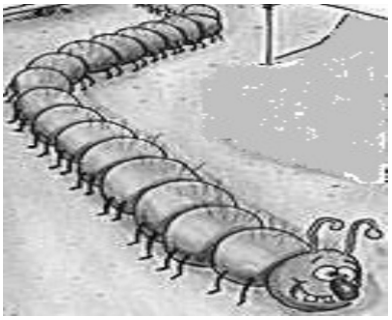

ما نهایت خرسندهستیم که ازبرکت نظام بازار آزاد درافغانستان، چنان ساعت ما تیر و شکم های ما سیر است که درطول تاریخ ، ما این چنین انبار کثافات، آلودگی محیط زیست و کلکسیون میکروبها را مشاهده نکرده بودیم. خوشبختانه نه تنها درکوچه ها و پس کوچه ها بلکه حتی در کنار جاده ها ،سرکهای عمومی و شهراه ها و درمقابل بلند منزل ها، انواع و اقسام کثافات انباشته شده تا ما با اطمینان خاطر ازآن تغذیه نموده متعاقب آن از آب جویهای کثیف که از تشناب های سر باز و انبار کثافات منازل و دکانها سرچشمه میگیرد، غرض آشامیدن استفاده نماییم.

خلاصه اینکه بوی خوش آیند کثافات درهمه جا به مشام ما میرسد که این امر بذات خود برای ما، خدمت فراموش ناشدنی است درراستای احقاق حقوق حقهء حشرات که قبلاً اقلیت محدود بودیم اما اکنون از برکت غفلت و سهل انگاری شمامقامات به اکثریت قابل ملاحظهء تبدیل شده ایم زیرا زمینهء تکثر، رشد و نموی ما در تمام کشور مساعد گردیده است. همانطوریکه انسان ها به استثنای شما مسولین و همقطاران تان، از بوی گلها وعطریات لذت میبرند، برای ما حشرات، همین بوی کثافات و گندیدگی ها نهایت لذت بخش است که توسط همین بوی ما می توانیم منابع متعدد کثافات را شناسایی نموده از آن شکم های خود را سیر وشما را سپاسگذاری نماییم.

به پاس همین خدمات شایستهء شما به طبقهٔ محروم حشرات و خزندگان مضره، شورای سرتاسری حشرات و خزندگان شهرکابل (ش س ح خ ش) به اتفاق آرا فیصله نمودند تا تقدیرنامه های درجه اول را برای هر یک از مقامات عالی رتبه که مسوول حفاظت محیط زیست، تنطیف و سرسبزی کشور را قانوناً به عهده دارند، طی مراسم شانداری درکثافتخانهء کنار دریای کابل اعطا نموده امیل های کثافات نثار شان گردد تا بخاطر تغذیهء ما حشرات وخزندگان مضره از سهل انگاری، بی مسولیتی و غفلت در وظایف محولهء شان مانند همیشه کار گیرند.

البته شورای سرتاسری حشرات شهر کابل، موفقیت های مزید ادارات محترم شاروالی، وزارت انکشاف شهری، ریاست حفظ محیط زیست، وزارت صحت عامه، وزارت تجارت وسایر ریاست های مستقل و ارگان های حشره دوست و خزنده پرور را در امر آلودگی دایمی محیط زیست و کثافتایزشن هر چه بیشتر شهر کابل و ولایات کشور استدعا مینماید. امید واریم ازین طریق مصدر خدمت به حشرات و خزندگان مضره گردیده زمینه را برای تکثر میکروب ها که ازدوستان صمیمی و نزدیک ما هستند، مانند همیشه فراهم سازید.

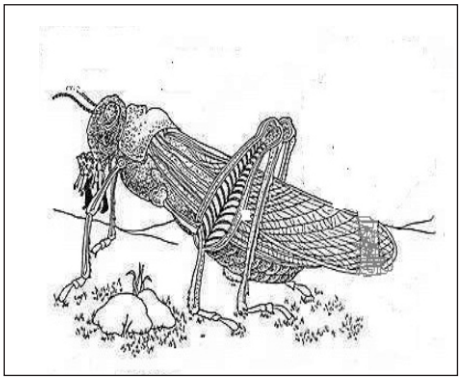

خوشبختانه مزاج حفظ الصحوی تعدادی از مردم افغانستان تغییر قابل ملاحظه ای نموده که برای ما حشرات فال نیک و پیام خوبی است.

خصوصاً وقتی مشاهده میکنیم که یک تعداد خانواده ها کثافات و اشیای باطله را از راه کلکین خانه ها ویا هم از بالای دیوار به کوچه پرتاب میکنند و یا هم دزدانه ازطرف شب کثافات شان را در مقابل دروازهء همسایه های شان میاندازند. همین خانواده ها وقتی در محافل درحضور دیگران صحبت مینمایند، سنگ وطندوستی به سینه میزنند که واقعاً برای ما خرندگان و حشرات جای تعجب است زیرا آنها باید به جای وطندوستی کلمهء حشره دوستی را بکار ببرند.

این مسایل خو بهرصورت، آلودگی هوا به اندازهء زیاد شده که ما خزندگان هر روز ازخوشی زیاد وزن می گیریم اما آفرین به یک تعداد باشندگان این وطن و مسؤلین بیدار شان که شیک ترین موتر ها را سوار شده اما کثیف ترین هوا را تنفس می نمایند. نوش جان. همین نمایندگی از وطندوستی تان میکند که با استفاده از اجناس بی کیفیت وارداتی کشور های دیگر به کثافت و آلودگی هرچه بیشترمحیط زیست تان می افزایید.

اگر راست بگویم حال بهترین زمینه برای رشد، تکثر و انکشاف ما حشرات در افغانستان مساعد گردیده تا بتوانیم مردم افغانستان را به انواع و اقسام امراض خطرناک و فراگیر مانند ملاریا، محرقه، کولرا وامثال آن مبتلا سازیم. حال یگانه کشور مصؤن برای رشد ونموی ما حشرات وخزندگان مضره، کشور شما یعنی افغانستان است. تا جاییکه ما اطلاع داریم سیلی از حشرات و خزندگان مضره از کشور های همسایه و سایر کشور ها به افغاستان مهاجر شده و از مقامات دولت افغانستان آرزوی پناهندگی و اقامت دایمی را دارند. زیرا در هیچ کشور جهان چنین بی مسوولیتی و بی کفایتی مشاهده نشده است.

قابل تذکر است که ما حشرات باید از مالیکن بلند منزل ها وهوتل ها قدر دانی نماییم که با حفر چاه های بدرفت شان ذخایر آبی زیر زمینی را آلوده وفاسد ساخته اند.

ثانیاً از مقام محترم شاروالی، وزارت انکشاف شهری وسایر ارگان های مربوطه نهایت سپاس گذار هستیم که خوشبختانه درین مدت طولانی هیچ توجه و اقدامی در زمینهء اعمار سیستم کانالازیسیون روی دست نگرفته اند که خوشبختانه در اثر باران های اخیر تمام کثافات در سرک ها و کوچه ها سرازیر گردد که برای ما جشن بزرگی را فراهم ساخت.

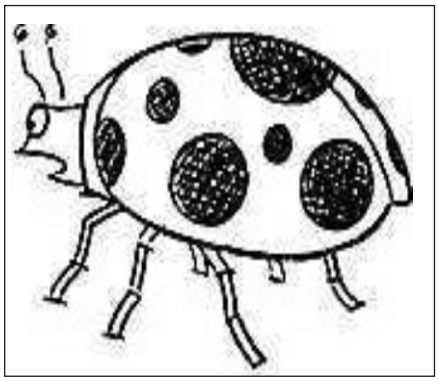

در خاتمه یکبار دیگر از همکاری های همیشگی تان در راستای کثافتایزیشن شهر کابل و ولایت کشور اظهار امتنان و سپاس مینماییم.

با احترام

شورای سرتاسری حشرات و خزندگان شهر کابل

اختلاف مقبول و اختلاف ممنوع

قسمت اول

دکتر توفیق الواعی

ترجمه : سیف‌الله رحیمی

در گذشته علما و اندیشمندان ما در مواجهه با آراء و نظریات مختلفی که وجود داشت، سعه‌ی صدر داشتند و بدون هیچ‌گونه نزاع و درگیری با هم به گفتگو می‌پرداختند. آنان در زمینه‌ی فقهِ اختلاف، آثار زیادی را تدوین کردند تا فرهنگ قبول مخالف در مشترکات و معذوریت در مفترقات را نهادینه کنند. به همان اندازه که جامعه ظرفیت آراء مختلف و افکار متنوع را دارا باشد، قطعاً به همان اندازه روح تلاش، تکاپو، ابتکار و نوآوری بر آن جامعه حاکم خواهد بود؛ برعکس جامعه‌ای که تحمل صدای مخالف را نداشته باشد و سیاست سانسور و تک‌نظری بر آن حاکم باشد طبعاً فکر، اندیشه و پیشرفت آن رو به زوال خواهد بود. آنجاست که سطحی‌نگری بر جامعه سایه می‌افکند و ابتکار و تنوع از بین می‌رود. متأسفانه این فرهنگ امروزه بر جریان‌های فکری کشورهای جهان سوم حاکم است.

آری! ما مسلمانیم و جهانیان به سبک اختلاف ما در گذشته آشنا هستند؛ امّا ما از آموزه‌های دینمان فاصله گرفتیم و با دورشدن از کیان دین، روحِ شگفت‌انگیز و تمدن‌ساز هم از میان ما رخت بربست. در این مقاله به‌طور مختصر به اصول مهم فقهِ اختلاف اشاره خواهیم کرد. امید است که خداوند ما را از شربت گوارای تلاش گذشتگان بهره‌مند فرماید.

مهم‌ترین اصول فقه اختلاف عبارتند از:

۱- اختلاف در فروع سنّت تکوینی است طبیعت دین دارای تنوع و تکثّر است و دامنه‌ی وسیعی دارد. کلمات و لغات، بالذات حامل وجوه متعدد و دلالت‌های ظاهر، خفی، مجاز، حقیقت، مجمل و غیرمجمل هستند. طبیعت عقول و حواس در یک سطح نیستند و همچنین متغیرات زمانی و مکانی که نصوص و آیات در آن نازل شده‌اند، باعث شده تا اختلاف و تنوع در اجتهاد امری طبیعی گردد و نیز توقع اجماع در مسائل اجتهادی که در ذاتش تنوع قرار دارد، امری غیرمنطقی باشد.

۲- علی‌رغم اینکه تنوع و اختلاف سنت بشری است، امّا سعی و تلاش برای دفع اختلاف و خروج از میدان اختلاف به منظور حفظ وحدت کلمه و همبستگی صفوف مسلمین فریضه‌ای شرعی است. جمهور علما اجتناب از اختلاف را با هدف انسجام جامعه‌ی اسلامی و نابودی اسباب نزاع، امری مستحب می‌دانند.

۳-اختلاف به‌طور کلی مذموم نیست اختلافی مذموم است که ناشی از غرور و تکبر، انگیزه‌ی سیاسی و جاه‌طلبی و سوءظن و اتهام به دیگران که بر ارکان هواهای نفسانی، بی سوادی و جهل قرار گرفته باشد. اسباب مذموم و ناپسند دیگری نیز وجود دارد که در حوصله‌ی این مبحث نمی‌گنجد. اختلاف مقبول اختلافی است که نظرات متعددی از یک منبع و سرچشمه گرفته باشد؛ مانند اختلاف‌های صوری، لفظی، اعتباری و یا اختلاف پیرامون مسایل ظنّی، که حواس و عقول برداشت‌های مختلفی از آن دارند. اختلاف در فروعات شرعی، مانند احکام فقهی و یا مواضع سیاسی و اختلاف در مورد شیوه‌های اصلاحات و تغییرات به منظور رفاه اجتماعی و نیازهای جامعه نیز از جمله اختلافات مقبول هستند.

۴- در اختلاف توسعه و رحمت است عمربن‌عبدالعزیز -رحمه‌الله- می‌فرماید: «اگر اصحاب پیامبر -صلی‌الله‌علیه‌وسلم- اختلاف نمی‌کردند من هرگز خوشحال نبودم؛ زیرا اگر آنان اختلاف نمی‌کردند برای ما اختلاف مجاز نبود». ابن‌عابدین حنفی می‌گوید: «اختلاف در فروعات از نشانه‌های رحمت است؛ زیرا این نوع اختلاف توسعه اجتماعی را در پی دارد»؛ سپس اضافه می‌کند: «هر چه اختلاف‌ها بیشتر باشد رحمت بیشتر خواهد بود.«

برای ما اختلاف مجاز نبود». ابن‌عابدین حنفی می‌گوید: «اختلاف در فروعات از نشانه‌های رحمت است؛ زیرا این نوع اختلاف توسعه اجتماعی را در پی دارد»؛ سپس اضافه می‌کند: «هر چه اختلاف‌ها بیشتر باشد رحمت بیشتر خواهد بود.«

-5اختلاف منشأ تولیدِ سرمایه‌های فقهی است که در طول تاریخ توسط فقها و علمای توانمند پدید آمده است و باعث تدوین آثار و کتاب‌های متعددی شده است. این تألیفات منبع فیض برای اهل علم و دانشجویان بوده و تا به امروز بخشی از تمدن و فرهنگ متعالی ما را تشکیل می‌دهد.

-6جمهور متخصصان علم اصول بر این باورند که حق و صواب در مسائل اجتهاد ظنی، یکی هستند. کسی نمی‌تواند بر صحت رأی صواب تأکید بورزد درحالی‌که اجماع اصولیین معتقدند که تکثر آرای صواب می‌تواند به تکثر اجتهادهای مختلف بینجامد. هر مجتهدی که شرایط اجتهاد، اعم از نیت صالح، علم و آگاهی در مسئله‌ی مورد اجتهاد و تحقیقات کامل در موضوعی که اجتهاد می‌کند را داشته باشد، احکامی که استنباط کرده صواب و درست است. این قول، قولی است مستند و قوی که علما هم آن را تایید کرده‌اند.

-7به‌طور کلی اهل اجتهاد در فروعات فقهی به اجر و ثواب می‌رسند. کسی که به صواب برسید دو پاداش دارد: اجر اول به خاطر تلاشی که کرده و اجر دوم به خاطر به صواب رسیدنش است؛ امّا مجتهدی که به خطا می‌رود، مادامی که شرایط اجتهاد را داشته باشد یک اجر به او تعلق می‌گیرد. مجتهد غیرمصِیب (غیراصابت کننده در فروعات دائماً مأجور و از هرگونه اتهام و بدعت‌گذاری مبرّا و معذور است.

-8مقوله‌ی حق امری قدیمی است چنانکه سیدنا عمر -رضی‌الله‌عنه- می‌فرماید: «حق را از هر کس می‌توان پذیرفت، مادامی که منطبق با دلیل و برهان باشد». قرآن هم در کلام بلقیس که کافر بود و خورشید را عبادت می‌کرد و بعداً ایمان هم نیاورد، به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: « قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ»(نمل:٣٤)؛ (گفت به راستی شاهان آنگاه که وارد شهری شوند آن را به تباهی می‌کشانند و عزتمندان آنجا را درمانده می‌گردانند. اصلاً پیوسته شاهان چنین می‌کنند در صحیح بخاری آمده است که وقتی ابوهریره -رضی‌الله‌عنه- آیةالکرسی را خواند شیطان او را تصدیق کرد، درحالی‌که شیطان دروغ‌گو است. بنابراین حقیقت، حکمت و راه راست گمشده‌ی مؤمن است که در هر جا آن را یافت مستحق‌ترین فرد برای کسب آن است.

-9حق با معیار مردانش شناخته نمی‌شود، بلکه این مردان هستند که با معیار حق سنجیده می‌شوند. غیر از پیامبر هیچ کس دیگر معصوم نیست، همچنان‌که در حدیث آمده است: « بنی آدم جایز الخطاست.«

-10اختلاف‌کنندگان همه در یک سطح نیستند؛ برخی مجتهد به خطا رفته، برخی ناآگاه معذور، عده‌ای متجاوز ظالم، عده‌ای بدعت‌گذار پیرو هواهای نفسانی و عده‌ای دیگر کافر و گمراه می‌باشند؛ لذا می‌بایست بنابر موضوع اختلاف، اسباب اختلاف و میزان فاصله از حق را به‌طور جداگانه طبقه‌بندی کرد.

-11میان حکم مطلق و سبب القاء حکم بر محل فتوی فرق است. فتوای حکمی بر یک واقعه، نیاز به استدلال و دقت نظر دارد که علماء اصول به آن «تحقیق المناط» می‌گویند فقها بر اصل حکم، اختلافی ندارند بلکه اختلاف پیرامون این است که این موقعیت و شرایط، این حکم را می پذیرد یا خیر؟

-12احکام مطلقی که زمینه‌ی نزول آن اشخاص هستند، اختلاف نظر را در پی دارد. بدین‌گونه که آیا این مصداق اسباب و شروط وقوع چنین حکمی را داراست یا خیر؟ باید توجه داشت که اطلاق احکام به افراد، شناخت و دقت جامع و کاملی را می‌طلبد تا حکم در موقعیت صحیح قرار بگیرد؛ منتها این امر سبب شده تا اختلاف زیادی میان علما بوجود بیاید.

-13قرآن و سنّت به صرف اختلاف عقلی، نفسانی، سلیقه‌ای و ذهنی در تعارض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند.

-14توافق و اجماع علما به ترک امر افضل، بهتر از مخالفت در اولویت‌هاست. همان‌طور که ابن‌سعود علی‌رغم اختلاف نظر با سیدنا عثمان -رضی‌الله‌عنه- نماز را به امامت ایشان کامل خواند و به مردم هم گفت: «پیروی و اطاعت کنید که اختلاف مذموم است». ابن‌تیمیه هم به این مضمون سخنی دارند: «رواست که انسان به منظور حفظ وحدت و تألیف قلوب و ترس از تفرقه امری را که انجام آن افضلیت دارد ترک کند.